

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۱ نومبر ۲۰۱۸

## "قیوم کوچی" دلال محبت بین طالب و مسکو

۲



شنبه- ۱۹ عقرب ۱۳۹۷ کابل:

به ادامه گذشته:

در اخیر قسمت اول این نوشته به ارتباط شرکت "قیوم کوچی" سفیر قبلی دولت دست نشانده در روسیه و کاکای "غنی احمدزی" پرسیدم که "وی به کدام اساس در این کنفرانس شرکت نموده است؟؟" به اجازه شما خوانندگان گرامی بحث امروزمان را از همانجا ادامه می دهیم:

قبلاً نوشتم که چون دولت دست نشانده شرکتش را به صورت رسمی منتفی اعلام داشته بود، لذا "کوچی" نمی توانست به نمایندگی از آن دولت شرکت نماید، همچنان چون دولت دست نشانده به ذوات و شخصیت های بانفوذ قومی و حزبی حتا در سطح "حامدکرزی" رئیس جمهور قبلی اجازه رفتن به مسکو را نداده بود، الزاماً کس دیگری حتا با تعلقات قومی "کاکا و برادرزاده" با "غنی احمدزی" نمی توانست در آنجا شرکت نموده، گاهی در کنار نمایندگان به اصطلاح "شورای عالی صلح" جای خوش نماید و زمانی هم با نمایندگان طالب به خصوص "شیرمحمد ستانکزی" رئیس هیأت گروه طالب که هم وطندار شان است و هم از طریق رئیس "امنیت ضدملی" با نوکران امریکا "خون شریک" است، نرد عشق بیازد. مگر این که:

۱- "غنی احمدزی" و مجموع "باندارگ" مانند همیشه دروغ گفته باشند و خلاف امتناع رسمی علنی، مخفیانه از طریق شرکت "قیوم کوچی" در کنفرانس شرکت نموده باشند.

۲- از آنجائی که "غنی احمدزی" به جز شخص خودش و گاهگاهی به "روغنی" و سایر اعضای خانواده اش به کس دیگری اعتماد ندارد، "قیوم کوچی" را فرستاده باشد تا از چگونگی روند کنفرانس برایش گزارش شخصی تهیه نماید.

۳- این که روسها با وجود تمام نفرتی که از وی داشتند، او را به این کنفرانس به مثابه "کنالیست" دعوت نموده باشند تا از نفوذ و روابطش با طالب بهره برداری نمایند.

هموطنان گرامی!

باید پرسید که این ذهنیت از کجا ناشی می شود؟

آنهائی که از شخص "قیوم کوچی" شناخت دارند خوب می دانند که این انسان حقیر با آن که پایش به لب گور رسیده و به میلیونها دالر از بابت خوردوبورد هایش سرمایه اندوخته است، در پیدا کردن پول آنقدر حریص است که حتا دوستانش او را "چلوس" نیز می دانند یعنی وقتی یک دالر را بر روی زمین افتاده ببیند، حاضر است خم شده با دندان آن را از زمین بردارد. این حرص و آز و پول دوستی وی وقتی در پولند سفیر بود، او جش را زمانی نشان داد که با موتر سفارت شبانه تکسی رانی می نمود تا به علاوه معاش و سایر درآمد هایش چند زولاتی از آن طریق نیز به دست بیاورد.

این شخص با همین خصوصیات در زمان انتخابات ریاست جمهوری، به استناد گفته های افشاگرانه برادر "غنی احمدزی" با گرفتن پول از برادرزاده اش، به علاوه خریدن رأی بخشی از اقوام کوچی، در برخی از مناطق با طالب ها نیز معامله نمود تا هنگام رأی گیری حد اقل مانع طرفداران "غنی احمدزی" در انتخابات نگردند.

وقتی "غنی احمدزی" این فرد ۷۴ ساله را با وجود نقض صریح قوانین ملکی و اداری و مخالفت با به اصطلاح وزیر خارجه دولت دست نشانده به حیث سفیر در مسکو فرستاد، به گفته مردم "عقل جن هم قد نمی داد" که او وظیفه گرفته است از آن طریق مراسم زفاف بین دو قاتل خلق افغانستان یعنی روسیه و طالب را تدارک ببیند. کاری با موفقیت کامل از طریق روابط محلی گرایانه با "شیر محمد ستانکزی" که اصلاً از مردم لوگر است و بعد از مدتی چریدن در علفزار سوسیال امپریالیسم روس در پیوند جناح خلق و غسل تعمید در باتلاق و هابیت سیاف، سرانجام سر از گریبان طالب سر بیرون نموده، انجام داد.

و اما این که "غنی احمدزی" چرا باید چنین ریسکی را نماید و از کاکایش بخواهد تا نقش دلال محبت بین طالب و مسکو را به عهده گیرد، بر می گردد به شناخت "غنی احمدزی" از عمق سیاست های امپریالیسم امریکا و تعلقات قلبی و تباری خودش به طالب.

یعنی "غنی احمدزی" از میزان نفرت کاخ سفید و مقامات امریکا از طالب آگاه بود و می دانست که امپریالیسم امریکا برای حقانیت بخشیدن به تجاوز به افغانستان تا چه میزانی علیه طالب تبلیغ نموده است. این را هم می دانست که آن تبلیغات تا چه حدی برآذهان مردم امریکا و سیاست مدارانش اثر گذاشته و آنها را با طالب مخالف ساخته است. این را هم می دانست که یگانه عاملی که می تواند بر دید ستراتیژیک کاخ سفید اثر گذارد چیست. یعنی این را می دانست وقتی پای رقابت با روسیه در میان آید، باز برای امریکا هیچ اصل نه مثبت و نه هم منفی اعتبار ندارد، مهمتر از همه چیز ناکام ساختن روسیه است.

با چنین درک و شناختی "مغز متفکر!!" زیرکانه کاکایش را به مسکو می فرستد تا مراسم عقد میان طالب و مسکو را تدارک ببیند.

هموطنان گرامی!

برای آن که به صحت این تحلیل صحه گذارید، لطف نموده، دو نکته را از لحاظ زمانی با هم مقایسه نمائید، آوازه ایجاد و گرم شدن رابطه بین طالب و مسکو در یک سو و نرم شدن روزانه سیاست امریکا نسبت به طالب در سوی دیگر. تا جایی که وقتی مسأله کنفرانس مسکو و شرکت طالب حتمیت می یابد و سنگ اندازی های دولت دست نشانده و "باندارگ" بی نتیجه می ماند، امریکا آخرین نرمشش را نیز نشان داده، با فرستادن "خلیلزاد" و آغاز مذاکرات مستقیم در همان مسیری گام می گذارد که "مغز متعفن" هموار ساخته است.

ادامه دارد